

یادداشت سردبیر

در پژوهش و آموزش - بخصوص در آموزش عالی - کتاب و کتابخانه، به عنوان واحد پشتیبانی نقشی بسیار ارزنده و اساسی دارد. با انقلاب ارتباطات و اطلاعات و اتصال زنجیروار همه جوامع به یکدیگر به نیاز به آگاهی از آنچه در دیگر جوامع انجام می‌شود و برخورداری از نتایج پژوهشها و تحقیقات کشورهای پیشرفته، امری است حیاتی. کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی می‌بایستی جدیدترین کتابها به نشریات ادواری، جزوات و حتی منابع دیداری و شنیداری را فراهم آورند و در دسترس مراجعه‌کنندگان خود قرار دهند. اما، با تأسف باید بگوییم که نخستین مشکل در سرراه «فراهم آوردن» و «تهیه» این منابع کمین کرده است و آن هم مشکل مالی است.

تک‌نرخ شدن ارز در سال ۱۳۷۲، موجب افزایش قیمتها شد و در نتیجه تخصیص بودجه خرید کتاب و نشریات در اکثر کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی با مشکلاتی روبرو گردید و همین امر به پژوهش و آموزش لطمه زد. کارگزاران و نمایندگان ناشران خارجی که فعالیت خود را بیشتر کرده بودند، رسماً اعلام کردند که حاضرند، کتابها و نشریات ادواری مورد نیاز کتابخانه‌ها را سفارش بدهند و صورتحسابها را به نرخ ارز شناور که هر روز از طرف بانک مرکزی اعلام می‌شود از سفارش‌دهندگان دریافت نمایند. در زمستان سال ۱۳۷۲، به دنبال افزایش قیمت دلار در بازار آزاد و تفاوت قیمت ریالی ارز شناور و ارز بازار آزاد، این کارگزاران با شرایط تازه‌ای روبرو شدند و اکثر آنها که می‌بایستی بین قیمت ریالی دلار و ارزش انسانی و شخصیت خود، یکی را انتخاب کنند، افزایش قیمت دلار را انتخاب کردند و

این بار هم رسماً به سفارش دهندگان و متقاضیان اعلام کردند که فقط می‌توانند با پرداخت معادل ریالی ارز آزاد از طریق آنها کتاب یا نشریات ادواری خود را خریداری کنند، و این در حالی بود که بسیاری از کتابداران کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی، تعداد زیادی کتاب و نشریات ادواری به آنها سفارش داده بود و صورتحسابها را برای انجام مراحل اداری و مالی به واحدهای ذیربط در سازمان خود ارسال کرده بودند و چه بسا که حتی چک پرداخت صورتحسابها، البته با احتساب ارز شناور، آماده شده بود.

وضع و موقعیت کتابدارانی که خود رأساً اقدام به سفارش کتاب و نشریات کرده و صورتحسابها را مستقیماً از طریق ناشران یا کارگزاران دریافت کرده بودند، بهتر از بقیه نبود. مشکل عمده مقررات دست و پاگیر پرداخت صورتحسابها از طریق بانک بود. بخصوص که ناشران برای پرداخت صورتحسابها مهلتی را در نظر می‌گیرند (عموماً ۹۰ روز) و چون کارها، به صورت کامل مکانیزه شده، پس از انقضای مهلت با مشکلاتی روبرو خواهند شد. یکی دو سازمان دولتی هم که اقدام به وارد کردن و توزیع مجلات خارجی کرده‌اند، اولاً همه نشریات تخصصی را ندارند، ثانیاً قیمت‌های آنها نیز چندان مناسب به نظر نمی‌رسد و عموماً گرانتر از حد عرف است.

نگاهی به قفسه مجلات و نشریات ادواری در کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی بیانگر این واقعیت تلخ و هولناک است که از نشریات و مجلات روزآمد چندان خبری نیست و عموماً مجلات به دو یا سه سال پیش تعلق دارد. دوره‌های مجلات ناقص است و حتی گاه یکسال یا دو سال نشریمای دریافت نشده است. آیا می‌توان چنین قطع رابطه فرهنگی را داشت و از محققان و مدرسان انتظار داشت که همپای دانش جهانی پیش بروند؟ به راستی، با چنین فانوس دودزدمای، چه فضایی را می‌توانیم روشن کنیم؟

جا دارد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت و آموزش پزشکی، بودجه کافی برای خرید کتاب و

نشریات ادواری خارجی در اختیار کتابخانه‌های تخصصی و بخصوص دانشگاهی قرار دهند و مشکلات و موانع بوروکراتیک را حذف کنند و بانک مرکزی ایران نیز تسهیلات لازم برای پرداخت صورتحسابها فراهم آورد، تا کتابخانه‌ها بتوانند کتاب و مخصوصاً نشریات ادواری تخصصی خود را سفارش دهند و در کوتاهترین مدت آن را دریافت کنند و پس از آماده‌سازی در اختیار مراجعه‌کنندگان خود قرار دهند. زیرا در شرایطی که کتاب و نشریات ادواری خارجی این چنین گران است، نمی‌توان انتظار داشت که دانشجویان دانشگاه‌های کشور بتوانند کتاب و نشریات مورد نیاز خود را خریداری کنند. اگر کتابخانه‌ها نیز فقیر باشند دیگر چه امیدی می‌توان داشت.

پرداخت سوبسید به دانش‌پژوهان و دانشجویان اگرچه می‌تواند مؤثر باشد، لیکن بدون شک، راه حلی قطعی نخواهد بود. بهتر است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با چند ناشر بزرگ غربی قراردادهایی منعقد نماید و کتابهای معتبر علمی را همزمان با نشر اصلی در ایران افسد کند و با قیمت ارزانتر در اختیار دانشجویان قرار دهد. بدین ترتیب می‌توان هم در بازار نشر داخلی ایجاد کارکرد و هم کالای مورد نیاز کتابخانه‌ها و دانش‌پژوهان را با قیمتی ارزانتر در اختیار آنها قرارداد و هم، حتی امکان صدور این نوع کتابها را به کشورهای منطقه بوجود آورد.

خطری که ما را تهدید می‌کند آن است که در آینده، به عنوان واکنش در مقابل آنچه اکنون می‌گذرد، سیاست جدیدی در پیش گیریم که به جبران مافات و گذشته اقدام به خرید و تهیه کتاب و نشریات خارجی کنیم و نشریات خارجی کنیم و چشمان خود را ببندیم و دوغ و دوشاب صنعت نشر غربی را خریداری کنیم. بلایی که پس از انقلاب فرهنگی چین، بر کتابخانه‌های آن کشور نازل شد. آن هم در شرایطی که نیروی انسانی متخصص برای سازماندهی منابع نداشته باشیم. از افراط زیانبار کنونی به تفریطی زیانبارتر برسیم.